

## فکری: اگر مشکل من هستم، می روم

تأیید خبر هاد باره سیاوش

یزدانی در استقلال می ماند

صفحه ۱

روزنامه صبح ایران / سال بیست و چهارم / دوشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۹ / Feb 22 - 2021 / ۱۰ رجب ۱۴۴۲ / شماره ۶۷۰۵

1200075790003 61260757900037

پاسخ تهیه کننده «تی وی تاک» به شائبه

درخواست ۷۰۰ میلیونی کاندیدای ریاست فدراسیون

## شرط کریمی

## پرداخت ۵/۲ میلیارد به خیریه بود

علی کریمی، کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال این مبلغ را برای خودش نخواست. قرار است این مبلغ از طریق خیریه‌ای به دست نیازمندان برسد. این خیریه با این مبلغ هزار تلیت را تهیه می کند و در اختیار دانش آموزان نیازمند قرار خواهد داد



ترابی با متد تمرینی HIIT آماده بازی با سایپا می شود

## حمله ۲۵ به لیگ ۲۰

کوه انگیزه ام و آماده هستم

کنعانی زادگان: قهرمانی های پرسپولیس تمامی ندارد

صفحه ۷

باز هم پای بند فسخ در میان است

## شکایت باشگاه آلومینیوم از رسول خطیبی

صفحه ۳

پور موسوی خیال هواداران آبادانی را راحت کرد

## پیشنهاد دارم اما رفیق نیمه راه نیستم

صفحه ۳

ستاره تکراندو به المپیک توکیو می رسد

## آرمین و یک رقیب بزرگ به نام ناامیدی

صفحه ۴

فرار اینتر به سوی قهرمانی

## آتشبازی لوکاکو در حضور زلاتان

صفحه ۱



0-3

## روی موج فوتبال

یادداشت  
رضا شایع

معمولاً کمتر سیاستمداری است که پس از ورود به فوتبال، از این عرصه جان سالم به در ببرد، به دنبال ورود وزیر جوان به عرصه کری خوانی فوتبال به دنبال نمونه هایی از ورود سیاستمداران به عرصه فوتبال بودم که با تجربه جالبی برخورد کردم. تجربه آنچه می خوانید گزارش این تجربه است که برای اولین بار در این صفحه منتشر می شود:

وضعیت تونی بلر طی ده سال نخست وزیری طوری شده بود که در نوامبر ۲۰۰۵ بیش از هر زمان دیگری در دوره ده ساله نخست وزیری، احتمال استعفاش احساس می شد. در این لحظات دشوار حساس دوران کار سیاسی او و برای بازسازی محبوبیتش به روابط عمومی تاجمی متوسل شد اما نه با حضور در مقابل انبوه خبرنگاران در دست مینستر و یا با حضور در پارلمان و ارائه راهکار سیاسی جدید به اعضای ارائه یک سخنرانی کاملاً برنامه ریزی شده و هدفمند. او این پارافقط در یک رسانه و آن هم برنامه هفتگی فوتبال فوکوس از شبکه بی بی سی شرکت نمود.

او در نقش یک مربی فوتبال بالباس غیررسمی و پیراهنی که تا آخرین کلمه یقه اش راسته بود در برنامه ظاهر شد. حتی نوع لباس تمام چروک او مناسبات برنامه هم نبود. گویی که صبح لباسش را خریده بدون اتوان رابه تن کرده است. در این محیط، بلر فرصت یافت تصویری واقعی از طرفدار جدی فوتبال بودن، مثل من و شما را از خود ارائه کند. از آن فرصت تمثیل و قیاس فوتبال و خونی که در گهای جامعه تریب می کند، نهایت استفاده را برد و در صدد برآمد در تروی فوتبال، اقدامات سیاسی اش را توجیه کند. از نمایش قدرت مقاومت خود در برابر گرما و ایفای نقش تحت فشار گرفته تا استناد به اخلاق و قابلیت اعتماد در کار. وقتی مجری از بلر خواست ترکیب ۱۱ نفره بازیکنان دلخواه خود را در قالب یک نیم معرفی کند، وی به جای اعلام فهرستی از بازیکنان مشهور فوتبال، اسامی ۱۱ فوتبالیست نه چندان سرشناس از اکثریت باشگاه ها را اعلام کرد که بینندگان با بسیاری از آنان آشنا نبودند و هرگز مورد توجه برنامه های تلویزیونی فوتبال هم قرار نداشتند. ولی هر یک از آنها در بدستی که بازی می کردند بازیکن و مؤثری برای تیم بودند. نکته جالب این بود که اکثریت فوتبالیست های مورد اشاره او افرادی توانمند، الگو و پرتلاش بودند و در فهرست ۱۱ نفره او چهره حاشیه ای و عجیب و غریبی دیده نمی شد.

## نتیجه گیری اخلاقی:

وزیر جوان و مشاورانش، قدرت فوتبال در نفوذ به لایه های زیرین جامعه را به درستی تشخیص داده اند، نکته ای که آنها باید وقت کنند این است که ورود به گفت مان فوتبال و سوار شدن بر موج آن ساده است، ولی پیاده شدن از این موج، آنچنان که تصویری می شود ساده نیست این موج ممکن است آنها را به جایی ببرد که «نیاید».

رسمی و سانسور ترجمه می شود و احتمالاً مشاورانش توصیه کرده اند. این روزها نقد علی کریمی سخت است. ابویه نمادی تبدیل شده که می خواهد جلوی ساختار رسمی بایستد. با فساد در فوتبال مبارزه کند و به اندازه کافی هم فدایی دارد اما واقعاً علی کریمی که از همین حالا سر فردا که رئیس فدراسیون شد با نهاد های رسمی و دولتی دیگر که در تصمیمات فدراسیون دخیل هستند کار کند؟ از وزارت امور خارجه تا وزارت اقتصاد و حتی نیروهای نظامی و انتظامی... مگر می شود اینها را نادیده گرفت و یک فدراسیون جزیره ای تشکیل داد که مثل گروه های شبه نظامی مستقل کار کند؟ مخالف خوانی البته که لذتبخش است و قهرمانانه به نظر می رسد اما کسی که قصد دارد در چارچوب ساختار رسمی یک کشور کار کند نمی تواند مدام خودش را کنار بگذرد، قهر کند و ساز خودش را بزند.

از همین حالا می توان گفت که اگر علی کریمی در انتخابات پیروز شود، موجی از ادعای تقلب و اینکه «از اولش معلوم بود نمی گذارند رأی بیاورد» راه می افتد. اگر به ساختار و ساز و کار انتخاباتی بیاورند از بهتر نیست اصلاً ورود نکنند و کماکان به عنوان یک منتقد بر هوادار باقی بمانند؟ دوست داشتن بعضی از افراد گاهی هل دادن آنها به همه عرصه ها و میدان ها نیست، اتفاقاً منقاد کردن آنهاست که وارد هر کارزاری نشوند. از آن می ترسم که علی کریمی رئیس فدراسیون شود و بعد عملکردش حتی محبوبیتی که سال ها با توپ به دست آورد را به توپ ببندد. تجربه های پیشین در عرصه های سیاسی حساسی چشم مان را ترسانده است.



برای زدن گل تساوی داشت و زلاتان در شروع نیمه دوم یک فرصت خوب را از دست داد تا دقایقی بعد مارتنز گل دوم را برای اینتر بزند.

لوکاکو در دقیقه ۶۶ تیر خلاص را زد تا در پنجمین دربی متوالی دروازه میلان را باز کند.

اینتر با این برد انتقام شکست دو بریک بازی رفت را گرفت و در صدر جدول ۵۳ امتیازی شد. میلان اما فرصت صد رشتینی را از دست داد و با ۴۹ امتیاز در رده دوم باقی ماند.

این تیم را هم تحت تأثیر قرار داده. بازیکنان از این وضعیت ناراضی اند و تعدادی از آنها باشگاه را تهدید کرده اند که با ادامه این وضعیت در تیم استراحت می کنند. در این شرایط تمرینات استقلال و وضعیت عادی ندارد و تحت تأثیر اعتراض هواداران به عملکرد فنی و نارضایتی بازیکنان از عقب افتادن دستمزدها قرار گرفته است.

در تمرین دیروز بازیکنان این اعتراض را به فکری منتقل کردند. سرمربی استقلال که سعی در آرام کردن جو تمرین داشت، گفت که تا امروز برای دریافت مطالبات بازیکنان چندین بار با مدیران باشگاه صحبت کرده است، سرمربی استقلال وقتی با گلابه های بازیکنان پیرامون مطالبات شان و اینکه هر هفته در یک زمین تمرین می کنند مواجه شد، گفت: «اگر مشکل من هستم، می روم تا شما پول تان را بگیرید. من بارها به مسئولان باشگاه در مورد مطالبات شما صحبت کردم و آنها گفته اند

اینتر با سه گل همشهری اش میلان را شکست داد و موقعیتش در صدر جدول لیگ ایتالیا را مستحکم تر کرد.

بعد از درگیری اخیر زلاتان و لوکاکو در جام حذفی همه نگاه ها به تقابل این دو مهاجم تومند بود و در نهایت گلزن بلژیکی توانست برنده این وئول باشد.

او در دقیقه پنج ساندزه گل اول تیمش برای مارتنز بود.

بعد از این گل میلان تلاش زیادی

## فرار اینتر به سوی قهرمانی آتشبازی لوکاکو در حضور زلاتان

استقلال در بن بست فنی و مالی

## فکری: اگر مشکل من هستم، می روم

نیمکت استقلال در این سال ها بحران های مختلفی را پشت سر گذاشته و هنوز نتوانسته به آرامش برسد. اگر در میانه لیگ نوزدهم استراحت می کرد و باشگاه نتوانست او را برگرداند، حالا فکری روی نیمکت است که بخش بزرگی از هواداران او را نمی خواهند، ولی باشگاه توان و اراده برکناری اش را ندارد. هیات مدیره شنبه شب برای دومین بار در روزهای گذشته جلسه داشت و در نهایت رأی به ابقای فکری داده به نظر می رسد اعضای هیات مدیره هم مثل بخش بزرگی از هواداران و حتی تعدادی از بازیکنان بر این باورند که با این مربی آینده روشنی در انتظار استقلال نیست، ولی برای برکناری منتظر یک شکست دیگرند و در آن زمان شاید دیگر فرصت جبران و کم کردن فاصله با صدر وجود نداشته باشد.

مشکلات فنی تنها بحران این روزهای استقلال نیست و عقب افتادن دستمزد بازیکنان تمرینات

## لذت مخالف خوانی به سبک علی کریمی

نگاه روز

احسان محمدی

من هم به نسلی تعلق دارم که علی کریمی را از آن بازی فوئسال با لباس فتح مقابل استقلال شناخت. همان پسر خوشسردی که با شانه های پهن و چشم های زاغ همه را در بیل می زد. یار حریف، یار خودی، داور و اگر بایمی داد کسانی که کنار زمین ایستاده بودند. شبیه یک شبح که کسی نمی توانست شنش را بگیرد از وسط همه رد می شد. از تهران تا مونیخ! آنقدر این کار را کرد تا هم جادوگر آسیا شد، هم هواداران برایش شعار ساختند. «از اینجا تا خدا هشت تا بیسته، علی کریمی سلطان عشقه!» حتی وقتی بین او و علی دایی جدال پیش آمد فریاد زدند: «علی فقط کریمی!»

نمی شد عاشقش نبود، حتی وقتی در تکروری افراط می کرد. بی شک از علی دایی برای پرسپولیس ها محبوب تر شد، با آنکه با تراکتور تبریز از فوتبال خدا حافظی کرد و جام های بسیار اندکی با پرسپولیس برد اما یکی از غول های تالار افتخارات باشگاه است و البته یکی از بخت های هواداران دو آتشه که حتی شماره ۸ را روی بدن شان خالکوبی کرده اند.

او یک جنگجوی بی سپهر بود. همیشه راه خودش را می رفت. مثل مجنبد سیزی که مقابل کرچوبی پست، مثل دعوی مشهور با آچرلو، مثل تنش با علی دایی، مثل لگد زن به ساک بزشکی بعد از تعویض توسط برانکو، مثل قهرا از روی نیم ملی، مثل جدل با عادل فردوسی پور... بی قرار بود و هنوز هم هست. جنجال های بی سود و

## چرا وزیر نمی تواند از واکنش های هواداری گله کند؟

سرمقاله  
فرشاد کاس نژاد @Farshadcasnejad

کری در ورزش آجتان به بخش سرگرمی زندگی مربوط است که حرف زن درباره اش پیش از یک شوخی اهمیت دیگری ندارد. کری محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری ایران با هر مقام سیاسی، چهره شناخته شده و شهروند دیگری پیش از یک شوخی طنز آمیز قابل بحث نیست.

این سرگرمی برای عده ای جذاب است و برای عده ای دیگر شاید دوزخ آسان یا سخیف به نظر برسد و این بستگی به نگاه هادار د که فوتبال را تا چه اندازه در حوزه سرگرمی می شناسند.

درباره کری خوانی وزیر ارتباطات ایران اما آنچه می تواند به حساسیت های خاص طرفداری در ایران منجر شود، چند نکته است که شاید بتواند زوایای بیشتری برای کری وزیر ارتباطات ایجاد کند.

فوتبال ایران دولتی است و گرایش مقامات دولتی به یک تیم اگر چه رفتاری بدیهی و طبیعی است اما این شائبه را ایجاد می کند که آنها بر اساس علایق خود فرصت های مالی بیشتری را برای تیم محبوب خود ایجاد می کنند. از این شائبه گریزی نیست و مقامات دولتی با مالکیت دولت بر باشگاه ها خواسته یا ناخواسته در این فضا درگیر می شوند.

مسعود سلطانی فر، وزیر ورزش و جوانان سال هاست که با چنین انتقاداتی مواجه است. او در نقش وزیر ورزش، رئیس مجمع هر دو باشگاه استقلال و پرسپولیس است. کسی که وزیر ورزش می شود، حتماً دست کم آنقدر به ورزش گرایش دارد که حس هواداری یک باشگاه را در خود داشته باشد و این نکته هواداران باشگاه هاد چار خود را تردید می کند که چطور وزیر می تواند در مدیریت کلان و مشترک همزمان بر دو باشگاه با حتی قدرت تأثیرگذاری بر امور باشگاه های دیگر، علایق شخصی خود را نادیده بگیرد. وزیر هر کس دیگری هم که باشد و هر میزان تأثیر خاطری به یک باشگاه داشته باشد، این شائبه پدید می آید. آنچه در فوتبال ایران عجیب است و فاصله برای اصلاح آن طی دهه ها دیده نمی شود، دولتی بودن باشگاه های است. دولت وقتی به باشگاه های رو می آورد، نمی تواند گله کند که چرا در کری های هواداری واکنش ها طبیعی نیست چون باشگاهداری دولتی و مالکیت مشترک بر باشگاه های رقیب غیر حرفه ای است. در سوژه وارد ماندن وزیر ارتباطات اما با هم با مسأله مشابهی مواجهیم. اپراتورهای تلفن همراه بخش مهمی از درآمد های باشگاه های استقلال و پرسپولیس را در دهه اخیر بدید آورده اند و وزیر ارتباطات وقتی نتواند قدرت تأثیرگذاری در این مناسبات داشته باشد، هوادار را دچار تردید می کند که گرایش وزیر به یک تیم می تواند تبعیض ایجاد کند.

کری خوانی وزیر از این منظر بهر آن گنیز است. اگر باشگاهداری در ایران دچار پلای و بلا یا نبود، آن وقت کری وزیر بیشتر از یک سرگرمی و شوخ طبعی به نظر نمی رسید. آذری جهرمی در پاسخ به منتقدانش گفته: «فکر شکفته است.» اما آیا به نظر او باشگاهداری دولتی، مالکیت مشترک بر دو باشگاه و اسانسهای مشترک فکر کهنه تری نیست؟